

آرتور امانوئل کریستین سین

داستان بهرام چوبین

ترجمه
منیژه احدزادگان آملی



انتشارات طوری

۱۴۰۱

Christensen, Arthur Emanuel	: کریستین سین، آرتور ایمانوئل، ۱۸۷۵-۱۹۴۵ م.	سرشناسه
	: داستان بهرام چوبین / آرتور امانوئل کریستین سین؛ ترجمه‌ی منیژه احدزادگان آهنی.	عنوان و پدیدآور
	: (ویراست ۲)	وضعیت ویراست
	: تهران: طهوری، ۱۴۰۱.	مشخصات نشر
	: ۱۹۵ ص.: مصور، نمونه.	مشخصات ظاهری
	: ISBN 978-964-6414-47-1	شابک
Romanen am Bahram Tschobin rekonstruktions forsg	: یادداشت	یادداشت
	: چاپ دوم: ۱۳۸۵.	یادداشت
	: بهرام چوبین، قرن ۶ م.	موضوع
	: بهرام چوبین، قرن ۶ م. - داستان.	موضوع
	: ایران - تاریخ - ساسانیان، ۲۲۵-۶۵۱ م. - داستان.	موضوع
	: داستانهای دانمارکی - قرن ۲۰ م.	موضوع
	: احدزادگان آهنی، منیژه، ۱۳۲۵ - مترجم.	شناسه افزوده
	: DSR۴۹۰/ک ۴۱۳۸۵ ب ۸	رده‌بندی کنگره
	: ۰۳۰۹۲/۹۵۵	رده‌بندی دیویی
	: ۰۵-۲۰۰۳۴۵	شماره کتابخانه ملی

www.ketab.ir



انتشارات طهوری

خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، کوچه نوروز، شماره ۲۴ - صندوق پستی ۱۶۴۸-۱۳۱۴۵
تلفن: ۶۶۴۶۴۸۲۶ - ۰۹۱۲۲۲۵۱۲۰۶

داستان بهرام چوبین

منیژه احدزادگان آهنی

چاپ اول: ۱۳۸۳، چاپ دوم [ویراست دوم]: ۱۳۸۵

چاپ سوم: ۱۴۰۱

تیراژ ۲۲۰ نسخه

حق هرگونه چاپ و انتشار برای انتشارات طهوری محفوظ است

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۶۴۱۴-۴۷-۱ ISBN 978-964-6414-47-1

فهرست

۱۷	پیشگفتار مترجم
۳۳	روش کار
۳۷	پیشگفتار کریستین سن
۶۹	۱- روانه شدن بهرام چوبین برای جنگ با شاه ترکان
	۲- شکست دادن بهرام چوبین پرموده و افرستادن او با غنایم به
۸۹	تیسفون
۱۰۳	۳- شورش بهرام چوبین
۱۱۵	۴- عزل و قتل هرمزد، فرار خسرو به روم و تاج‌گذاری بهرام چوبین
	۵- یاری گرفتن خسرو پرویز از موریسیوس قیصر روم و پیروزی او بر
۱۲۹	بهرام
۱۴۳	۶- افسانه‌ی بهرام چوبین به هنگام فرار در سرزمین ترکان
۱۴۹	۷- کشته شدن بهرام چوبین
۱۵۷	۸- فرار و افسانه‌ی گردی
۱۶۷	نمایه
۱۸۴	کتاب‌شناسی فارسی
۱۸۸	کتاب‌شناسی لاتین

پیشگفتار مترجم

در اوایل دسامبر سال ۱۹۹۸ میلادی، هنگامی که استاد یس پیتر آسموسین^۱ (۱۹۲۸-۲۰۰۲) دکتر کار کوچک خود را در مؤسسه‌ی کارستن نیبور^۲ ترک کرد تا دوران بازنشستگی را آغاز کند، کسی نبود تا شایستگی جانشینی او را داشته باشد. استاد رفت و سنت پژوهش‌های ایرانی را با خود به خانه برد! و با درگذشت استاد کرسی استادی ایران‌شناسی، که با آرتور امانوئل کریستینسن^۳ آغاز شده بود، برچیده شد.

علاقه به پژوهش‌های ایرانی، در دانمارک (آسموسین ۲۰۰۲/۱۳۸۱: ۵۲-۹)، به زمانی باز می‌گردد که نخستین بار آدم آلفاریوس^۴ (۱۶۰۳-۱۶۷۱) آلمانی، با امکانات مالی اشراف دانمارک، همراه با هیأتی برای عقد قرارداد های تجاری به ایران سفر کرد و توصیف باارزشی از سفر خود به جای گذاشت (Olearius 1647). او در سال ۱۶۳۷ به اصفهان رسید و با کمک دوستی به نام حق‌وردی زبان فارسی آموخت، سپس به همراه او به شهر خود بازگشت و تا پایان عمر با او زیست، و با یاری او کتاب گلستان پارس (Sadi 1654) را منتشر کرد. این کتاب ترجمه‌ی آزادی از گلستان سعدی بود و غیر از

1. Jes Peter Asmussen

۲. Carsten Niebuhr نام مؤسسه‌ی خاورشناسی دانشگاه کپنهاگ در دانمارک.

3. Arthur Emanuel Christensen

4. Adam Olearius

تأثیرش روی دیوان شرقی (Goethe 1819) گوته^۱ (۱۷۴۹-۱۸۳۲)، کتاب پایه‌ی درسی زبان فارسی در تمام دانشگاه‌های اروپا گردید.

در حدود یک سده پس از آدم‌الناریوس، خاورشناس و عالم‌الهیات ی. د. میکائیلیس^۲ (۱۷۱۷-۱۷۹۱)، از اهالی شهر گوتینگن^۳، شاه فردریک پنجم^۴ را تشویق کرد که هیأتی اکتشافی به شرق نزدیک برای جمع‌آوری مدارک لازم در مورد عهد عتیق اعزام دارد. پادشاه این درخواست را پذیرفت. این همان هیأت اکتشافی ماجراجو و بد اقبال نیبور بود، که در سال ۱۷۶۱-۱۷۶۷ اعزام شد و از آن میان تنها کارستن نیبور (۱۷۳۳-۱۸۱۵) جان به سلامت برد (Hansen 1964)!

کارستن نیبور، طی سفر طولانی خود، به شهر کهن پادشاهی ایران، تخت جمشید، رسید. او نخستین کسی بود که سنگ‌نوشته‌های تخت جمشید را درست و با دقت رونویسی کرد، سپس شرح سفر خود را همراه با نقشه، تصاویر و بررسی‌های بسیار با ارزشی که در آن سفر اکتشافی انجام داده بود، در چند جلد انتشار داد (Niebuhr 1772)^۵.

به این ترتیب، برای نخستین بار پژوهش غربی‌ای این آثار بی‌نظیر و با ارزش باستانی بر پایه‌ی علمی استوار گردید. سرانجام اسقف دانشمند جزیره‌ی شیلند^۶، فردریک مونتر^۷ (۱۷۶۱-۱۸۳۰)، و پژوهشگران برجسته‌ی دانمارکی در زبان، راسموس راسک^۸ (۱۷۸۲-۱۸۳۲) و نیلس لودوی

۱. یوهان ولفگانگ گوته (Johan Wolfgang Von Goethe)، شاعر آلمانی.

2. J. D. Michaëlis

۳. گوتینگن (Göttingen)، نام شهری در غرب آلمان.

۴. فردریک پنجم (Frederik V.) از سال ۱۷۴۶-۱۷۶۶ پادشاه دانمارک و نروژ بود.

۵. و نیز ← Niebuhr 1774, 1778, 1837, 1969, 1992, 2003.

۶. شیلند (Sjælland) بزرگ‌ترین جزیره‌ی دانمارک. کپنهاگ در این جزیره قرار دارد.

۷. فردریک مونتر (Frederik Mønter)، اسقف دانمارکی، باستان‌شناس و تاریخ‌نگار کلیسا نیز بود.

8. Rasmus Rask

وسترگور^۱ (۱۸۱۵-۱۸۸۹)، تلاش‌های نیبور را به انجام رساندند. امروزه افتخار ترجمه‌ی درست سنگ‌نوشته‌های فارسی باستان را به آموزگار جوان دبیرستان شهر گوتینگن، گئورگ فریدریش گروتفند^۲ (۱۷۷۵-۱۸۵۳)، نسبت می‌دهند^۳؛ اما، در واقع، این مونتر بود که در اثر خود به نام پژوهشی درباره‌ی سنگ‌نوشته‌های تخت‌جمشید (Münter 1800) مشخص می‌کند که، با در نظر گرفتن موقعیت تاریخی سنگ‌نوشته‌ها، نشانه‌ی تکراری «» (در تمام سنگ‌نوشته‌ها بجز سنگ‌نوشته‌ی بهستان که دارای شکل «<» است) باید نشانه‌ی جدا کردن واژه‌ها از یکدیگر باشد و نیز گروهی از واژه‌های تکراری عنوان «شاه‌شاهان» را می‌سازند.

راسموس رامکه بعدها این دو را از نظر دستوری نشانه‌ی حالت جمع اضافه خواند و بدین ترتیب ارزش آوایی حروف $n(a)$ و $m(a)$ را پیدا کرد. او این موضوع را در رساله‌ی درباره‌ی قدمت و اصالت زبان زند و زند آوستا (Rask 1821, 1826a, 1826b) مطرح کرد. این اثر نخستین بار در سال ۱۸۲۱ انتشار یافت و با وجود کوتاهی مطلب، به سبب اطلاعات غنی آن ارزش تاریخی پیدا کرد.

راسک فارسی را در استراخان^۴ و ایران (۱۸۱۹-۱۸۲۰) و آوستا و پهلوی (فارسی میانه) را در بمبئی آموخت. او اغلب، تحت شرایط دشوار، دست‌نویس‌های کهن زرتشتی را جمع‌آوری و، پس از بازگشت از سفرهای طولانی، آن‌ها را به کتابخانه‌ی دانشگاه منتقل می‌کرد. راسک به زبان‌های ایرانی، به‌درستی، جایگاهی مستقل و شایان توجه،

1. Niels Ludvig Westergaard

2. Georg Friedrich Grotefend

۳. در مورد این پژوهشگر ← ویسهوفر ۱۳۷۸: ۲۸۶-۲۸۸.

۴. استراخان بندری است در روسیه که به عنوان ترانزیت بین دریای خزر و رودخانه‌ی ولگا مورد استفاده قرار می‌گیرد. این بندر را در سال ۴۶۶ میلادی خان‌های چنگیزی بنا کرده‌اند. استراخان همیشه دارای اهمیت تجاری و اداری و راه ارتباط میان امپراتوری روسیه با ایران و آسیای میانه بوده است.

آن چنان که شایسته‌ی آن بود، اعطا کرد. نتایج پژوهش‌های جامع او به نیلس لودوی وسترگور، هندشناس، این امکان را داد تا بر اساس آن‌ها نقد متنی‌هایی بنویسد که در زمان خود تقریباً بی‌نظیر، روشمند، استوار و در حد کمال بود. وسترگور در سفر طولانی و دشوار خود به شرق (۱۸۴۱-۱۸۴۴) دست‌نویس‌هایی خرید، سنگ‌نوشته‌ها را رونویسی کرد و آگاهی‌های خود را درباره‌ی ایران باستان وسعت بخشید و، در عین حال، شناخت کاملی از دین و آداب و رسوم زرتشتیان ایران به دست آورد.

او آثار باستانی هخامنشی در پاسارگاد را، که مهم‌تر از بازمانده‌های تخت جمشید بود، بررسی و رونویسی‌های دقیق نیبور از سنگ‌نوشته‌های تخت جمشید را تأیید کرد. افزون بر آن، با کمک تلسکوپ سنگ‌نوشته‌های ناشناخته‌ای روی آرامگاه شاهان یافت که روی کوهی درست روبه‌روی تخت جمشید قرار گرفته‌اند، که هم از نظر زبان‌شناسی و هم از نظر تاریخی بسیار مهم و چشمگیراند. او تمامی سنگ‌نوشته‌ها را رونویسی کرد و برای استاد کریستین لسن^۱ (۱۸۰۰-۱۸۷۶)، هندشناس نروژی، فرستاد.

وسترگور در خرید دست‌نویس‌ها با دشواری‌های بسیاری روبه‌رو شد، اما آنچه که او خریده به هیچ‌وجه با مجموعه‌ی غنی راسموس راسک، که به دائم‌مارک آورد، قابل مقایسه نیست. اما در میان دست‌نویس‌های خریداری شده‌ی او چند کتاب با ارزش هم وجود داشت، به‌ویژه نسخه‌ی اصلی و برجسته‌ی متن پهلوی مینوی خرد که گمان می‌رفت از میان رفته است.

یاری وسترگور برای فهم سنگ‌نوشته‌های هخامنشی آغاز فصل جدیدی در این نوع پژوهش‌ها بود؛ اما پیش از هر چیز، او، به عنوان ناشر متن‌های کهن، همیشه جای برجسته‌ای در تاریخ زبان‌شناسی اوستا و پهلوی خواهد داشت. وسترگور با انتشار زند اوستا یا کتاب‌های دینی زرتشتیان - (Westergaard 1852-1854) بنیان قابل اطمینانی برای بررسی متن‌ها بنیاد نهاد.

کارل فریدریش گلدنر^۱ (۱۸۵۲-۱۹۲۹)، خاورشناس آلمانی، ویرایش تازه‌ای از *اوستا* را انتشار داد (Avesta 1886-95)^۲ و متوجه شد که، اگر به‌طور اتفاقی برخی از آثار دیگر و دست‌نویس‌های ناشناخته‌ی وسترگور را در اختیار نداشت، چاپ جدید او از *اوستا* به نظر ضروری نمی‌آمد. لازم به یادآوری است، وسترگور نخستین کسی بود که در اروپا نسخه‌ی کاملی از متن‌های پهلوی را انتشار داد. شاید وجود همین دست‌نویس‌ها بود که باعث ایجاد نخستین کرسی زبان‌شناسی ایرانی در دانشگاه کپنهاگ گردید؛ و به‌ویژه با آثار کسانی مانند راسک، وسترگور، آگوست وان مِهرن^۳ (۱۸۲۲-۱۹۰۷)، ویلهلم تامسن^۴ (۱۸۴۲-۱۹۲۷) - با پژوهش درباره‌ی سنگ‌نوشته‌های فارسی باستان و زبان‌های هند و اروپایی - و ادوارد لیمان^۵ (۱۸۶۲-۱۹۳۰) - با پژوهش درباره‌ی *اوستا* و پهلوی (فارسی میانه) و تاریخ ادیان ایرانی و غیره - در طول زمان، سستی روشمند و استوار بنیان گذاشته شد. با این روند، دانشگاه کپنهاگ مطلوب‌ترین شرایط را برای آموزش پژوهشگرانی که علاقه‌مند به زبان و فرهنگ ایرانی بودند، فراهم کرد. این سعادت نصیب آرتور کریستن‌سن شد!

آرتور کریستن‌سن (۱۸۷۵-۱۹۴۵) از دوران کودکی شیفته‌ی افسانه‌ها، ترانه‌ها و فرهنگ‌های عامیانه‌ی مشرق زمین گشت. بعدها گفت که خواندن هزار و یک شب چه تأثیر شگرفی در ایجاد دلبستگی او به این نوع پژوهش‌ها داشته است. اما او از مطالعه‌ی ادبیات کلاسیک اروپایی به‌ویژه فرانسه نیز غافل نماند. در سال ۱۸۹۳، در حالی که زبان فرانسه را به عنوان درس اصلی و

1. Karl Friedrich Geldner

۲. و نیز ← Avesta 1889-96.

۳. آگوست فردیناند میکل وان مِهرن (August Ferdinand Michael Van Merhren)، خاورشناس دانمارکی.

۴. ویلهلم تامسن (Vilhelm Thomsen)، خاورشناس و زبان‌شناس دانمارکی.

۵. ادوارد لیمان (Edward Lehmann)، عالم الهیات و خاورشناس دانمارکی.

تاریخ و زبان لاتین را به عنوان درس های اختیاری انتخاب کرده بود، لیسانس و در سال ۱۹۰۰ فوق لیسانس خود را دریافت کرد.

اما علاقه ی شدید او به مشرق زمین باعث شد تا به خاورشناسی بپردازد. او، در حالی که در نزد استادانی مانند وان مِهْرِن فارسی و عربی، ادوارد لِمَان اُوستا، م. و. فاوسبول^۱ (۱۸۲۱-۱۹۰۸) سنسکریت و یوهانس اُستروپ^۲ (۱۸۶۷-۱۹۳۸) ترکی و عربی می آموخت، پیش از امتحان پایانی دانشگاه، رساله ی رستم پهلوان ملی ایران (Christensen 1898) و داستان ها و افسانه هایی از آثار اِصیل فارسی (Christensen 1899) را منتشر کرد.

آرتور کریستن سن با بورسی که دولت فرانسه در اختیارش گذاشت پژوهش های گسترده ای درباره ی نسخه های خطی آثار خیام در کتابخانه های لندن و پاریس انجام داد. او طی اقامتی در برلین، در سمینار خاورشناسی (۱۹۰۲)، با ایران شناس برجسته فریدر کارل آندریاس^۳ (۱۸۴۶-۱۹۳۰)، آشنا شد. این آشنایی به دوستی انجمنی که تا درگذشت آندریاس ادامه یافت. کریستن سن نزد و تحت تأثیر او، که یکی از بزرگ ترین ایران شناسان عصر خود بود، به تدریج همه ی زوایای زبان شناسی ایرانی را فراگرفت و با زندگی معنوی و فرهنگ ایرانیان آشنا شد. سپس در صدد برآمد تا ادامه ی این نوع تفکر را در زندگی معنوی ایرانیان و نشانه های مشترک آن را در نزد ایرانیان زرتشتی و مسلمان بیابد، و اینکه ایرانیان از چه نکته هایی و در چه سطحی از آن تأثیر گرفته اند و تا چه حد روی دیگران تأثیر گذاشته اند. اما آندریاس به ندرت عقایدش را به روی کاغذ می آورد و کلاس مرتبی نداشت و اگر کسی می خواست از او چیزی بیاموزد، می باید محضرش را انتخاب می کرد.

۱. میکل ویگو فاوسبول (Michael Viggo Faushöll)، خاورشناس دانمارکی.

۲. یوهانس استروپ (Johans Ostrup) در بیست سالگی با رساله ای درباره ی هزار و یک شب، که هنوز هم دارای ارزش والایی است، دکترای خود را دریافت کرد (۱۸۹۱). و از سال ۱۹۱۸ استاد ممتاز در فرهنگ اسلامی بود.

3. Frieder Carl Andreas